



چهره مظلوم و منفعلی که از امام سجاد(ع) درست کردند خلاف واقع است

چهره حقیقی امام سجاد(ع) چهره یک مبارز قهرمان خستگی‌ناپذیر آشتی‌ناپذیر پیگیری است، که با تدبیر تمام، با دقت کامل راهها را می‌شناسد و انتخاب می‌کند و به سمت هدفها این راهها را می‌پیماید.

چهره حقیقی امام سجاد(ع) چهره یک مبارز قهرمان خستگی‌ناپذیر آشتی‌ناپذیر پیگیری است، که با تدبیر تمام، با دقت کامل راهها را می‌شناسد و انتخاب می‌کند و به سمت هدفها این راهها را می‌پیماید.

به گزارش خبرگزاری مهر، مقاله حاضر بخشی از سخنان حضرت آیت‌الله خامنه‌ای درباره امام سجاد(ع) و نقش ایشان در احیای دین می‌باشد که متن آن نیز در ادامه تقدیم می‌گردد؛

یک کانونی کوچکتر از مدینه در کوفه بود، در سال شصت و چهار و شصت و پنج عده‌ای به صورت توابین تحت تأثیر فشار وجدانی حادثه‌ی عاشورا حرکت کردند، قیام کردند و تماماً قتل عام شدند. یعنی حتی یک نفر از توابین زنده نماند و به این ترتیب دنیای اسلام یکسره شد مال بنی‌امیه، البته یک تکه‌اش یزید بود، بعد یزید رفت مروان، بعد مروان رفت عبدالملک، سیاست یک سیاست، خط مشی یکی و تماماً برای این‌که آثار اسلام واقعی را که در دستگاه اهل بیت پیدا می‌شد و آنها بودند که شجاعت داشتند و همه چیز را می‌دانستند و همه چیز را می‌گفتند و مردم را ارشاد می‌کردند و دیگر علمای آن زمان و محدثین بزرگ این شجاعت و جرأت را نداشتند خیلی‌هایشان وابسته می‌شدند و در اختیار دستگاه در می‌آمدند، سیاست این بود که این کانون اسلام واقعی را به کلی از بین ببرند و کسانی را که ممکن است ادعای جانشینی پیغمبر را داشته باشند و مردم هم قبول داشته باشند که اینها جانشین بحق پیغمبرند، اینها را به کلی نابود کنند یا منزوی کنند. این هدف سیاست اموی بود، از بعد از حادثه‌ی عاشورا تا چند سال بعد از آن. در این شرائط امام سجاد کار امامت را شروع کرد. ببینید از این سختتر در تمام دوران امامت ما هیچ روزگاری را نداریم. زندگی دوران امام جواد، امام هادی، امام عسکری، آن سه امام آخر که آنها هم در دوران اختناق بودند. یا امام صادق، امام باقر، امام موسی‌بن‌جعفر، هر کدام از اینها را که شما نگاه کنید خواهید دید به تلخی و سختی و محنت دوران امام سجاد - یعنی سالهای اول امامت امام سجاد - در تمام دویست و پنجاه سال زندگی ائمه هیچ سالهای دیگری را ما نمی‌شناسیم. آن وقت در این دوران این قهرمان اهل‌بیت، این امام صبور و مقاوم، این سیاستمدار به سیاست الهی، این بزرگ‌مرد حقیقی اسلام کمرش را بست برای ادای رسالت و سه هدف عمده در ذهن آن حضرت بود. هدف اول و مهمتر این‌که نگذارد که حقایق اسلام و اصول اسلام زیر دست و پای سلاطین جور و دوروبری‌هایشان و عواملشان و غرضها و جملها از بین برود. چون در یک چنین اوضاع و احوال سیاسی که بر ضد مکتب در یک کشوری در یک جامعه‌ای به وجود می‌آید، از اصول مکتب چیزی باقی نمی‌ماند. هدف اول امام سجاد این بود که اصول اسلامی و قرآنی را حفظ کند، و نگذارد که اینها فراموش بشوند و از بین بروند. هدف دوم این بود که یکی از این اصول را که اصل امامت و ولایت هست، برای مردم تبیین کند، مردم بفهمند امامت جامعه‌ی اسلامی یعنی چه و خلیفه‌ی پیغمبر یعنی چه کسی و شرائطش چیه؟ و چه وظائفی بر عهده دارد و مردم با او چه رابطه‌ای دارند و چگونه چنین شخصی بر مسند خلافت می‌نشیند؟ مسائل مربوط به امامت مسلمین و خلافت پیغمبر را امام برای مردم تبیین کند تا مردم باورشان نیاید و در ذهن مردم این باور به وجود نیاید که حقیقتاً امامت یعنی همین‌که عبدالملک عهده‌دار او هست، یا یزید عهده‌دار او هست، یا دیگر خلفای جور. که بسیار کار مهم و حساسی بود، چون در طول زمان اگر ائمه‌ی ما نبودند و اگر امام سجاد نبود، یواش یواش مردم باورشان می‌آمد که اصلاً امامت یعنی همین، خلافت اسلامی یعنی همین، چون خلیفه‌ی اسلامی آن روز که نمی‌گفت من دین ندارم یا بر خلاف اسلام حرکت می‌کنم، همه‌ی فسقها و فجورها و ظلمها و عنادها و کفرها را داشت، درعین‌حال به نام اسلام، مردم خیال می‌کردند خب خلیفه یعنی همین، اصلاً همین است که واجب‌الاطاعة است. امام یعنی این؛ امام سجاد تصحیح کرد باور مردم نسبت به امامت را، و این کاری بود که تمام ائمه در دوران خودشان بعد از امام سجاد مقید بودند آن را انجام بدهند. این هدف دوم و هدف سوم این‌که امام سجاد اعلام کند و تفهیم کند که امام اوست، و نه آن کسی که امروز در رأس کار است. و این هدف سوم هدف سیاسی محض بود، هدف دوم هدف نیمه سیاسی و نیمه اعتقادی بود و هدف اول هم که هدف اعتقادی خالص و محض بود، که البته به یک معنا همه‌ی اینها سیاسی هست و می‌تواند باشد.

خطبه‌های نماز جمعه ۱۳۶۷/۰۶/۰۴

آن چهره‌ی مظلوم بی صدای سر به زیر منفعلی که از امام سجاد درست کردند به کلی برخلاف واقع است؛ چهره‌ی حقیقی امام سجاد علیه‌الصلاة والسلام چهره‌ی یک مبارز قهرمان خستگی‌ناپذیر آشتی‌ناپذیر پیگیری است، که با تدبیر تمام، با دقت کامل راهها را می‌شناسد و انتخاب می‌کند و به سمت هدفها این راهها را می‌پیماید، خودش خسته نمی‌شود و دشمن را خسته می‌کند؛ و نتیجه هم این شد که بالاخره دشمن خسته‌ی شکست خورده - یعنی دستگاه اموی - وقتی هیچ کار دیگر نتوانست بکند، متشبث شد به مسموم کردن امام سجاد، و آن حضرت را مسموم کرد و این امام بزرگوار و عزیز بعد از یک عمر پربرکت

پرمبارزه‌ی پرتلاش مقدس سر تا پا نورانی جوار پروردگار را زیارت کرد و به عالم قدس و رضوان الهی پرواز کرد. این خلاصه‌ی
زندگی امام سجاد است.
خطبه‌های نماز جمعه ۰۴/۰۷/۱۳۶۵